

## بررسی تغییرات کتابهای درسی مطالعات اجتماعی دوره ی عمومی ایران (پایه های سوم و چهارم) براساس میزان تاکید بر مهارت‌های تفکر انتقادی مطرح شده توسط فاسیونه در سه دهه ی اخیر

پریناز آقابابائیان<sup>۱</sup>، شمس الدین هاشمی مقدم<sup>۲</sup>، فائزه ناطقی<sup>۳</sup>، علیرضا فقیهی<sup>۴</sup>  
<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اراک، اراک، ایران  
<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه اراک، اراک، ایران  
<sup>۳</sup> استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اراک، اراک، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

پریناز آقابابائیان

[parinazaghabaie@yahoo.com](mailto:parinazaghabaie@yahoo.com)

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تغییرات کتابهای درسی مطالعات اجتماعی دوره ی عمومی ایران (پایه های سوم و چهارم) براساس میزان تاکید بر مهارت‌های تفکر انتقادی مطرح شده توسط فاسیونه در سه دهه اخیر بوده است. در این پژوهش به منظور بررسی تغییرات کتابهای درسی روش تحلیل محتوا از نوع کیفی و کمی مورد استفاده قرار گرفت. بدین منظور، واحد تحلیل، جمله در نظر گرفته شد. با توجه به محدود بودن جامعه آماری که شامل کلیه کتب مطالعات اجتماعی پایه های سوم و چهارم از سال ۱۳۶۳-۱۳۶۴ تا ۱۳۹۳-۱۳۹۴ (جمعاً ۹ کتاب) می شد روش نمونه گیری اتخاذ نشده و کل جامعه آماری جهت بررسی انتخاب گشت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات چک لیست تحلیل محتوا محقق ساخته براساس مولفه های مورد نظر فاسیونه بود که روایی آن توسط متخصصان علوم تربیتی تعیین گردید. همچنین پایایی ابزار به وسیله فرمول علی دلآور محاسبه شد که ضریب توافق ۰/۸۵ را نشان داد. یافته های به طور کلی حاکی از آن است که کتب مطالعات اجتماعی سوم و چهارم به لحاظ میزان تاکید بر مهارت‌های تفکر انتقادی بسیار ضعیف تالیف شده است. شاهد این مدعا در پژوهش حاضر کتاب مطالعات اجتماعی پایه سوم در سال تحصیلی (۹۲-۹۳) است که به لحاظ توجه به حیطه های مختلف تفکر انتقادی (به جز مهارت تفسیر کردن آن هم در حد بسیار محدودی با ۲۵ جمله از میان ۵۰۵ جمله این کتاب) در حد فوق العاده ضعیفی (توجه و تاکید بر سایر مهارت ها صفر در صد) تالیف شده است. همچنین کتاب مطالعات اجتماعی پایه چهارم در سال تحصیلی (۹۳-۹۴) به لحاظ توجه به حیطه های مختلف تفکر انتقادی در حد بسیار اندک و جزئی (آنها هم در حد توجه به مهارت‌های اولیه تفکر انتقادی، مانند مهارت تفسیر کردن با فراوانی ۳۵ جمله، مهارت تحلیل کردن با فراوانی ۳ جمله و مهارت ارزشیابی کردن با فراوانی ۱ جمله از میان ۷۲۸ جمله نگارش شده در این کتاب را به خود اختصاص داده است. در همین راستا توجه به سایر مهارت‌های سطوح بالای تفکر انتقادی (مانند استنباط، توضیح و خودتنظیمی) در این کتاب نیز ۰٪ بوده است.

**واژگان کلیدی:** کتاب درسی، مطالعات اجتماعی، دوره ی عمومی، مهارت های تفکر انتقادی،

فاسیونه

تفکر از جمله اعمال اجتناب ناپذیر بشر است. روش زندگی و رفتار ما بستگی به شیوه تفکر ما دارد. انسان می‌تواند به نحوی اصولی، تاج تفکر را به گوهر تعالی مزین کند. استدلالی که در زمینه آموزش تفکر روزبه روز بیشتر توسعه می‌یابد. این است که تفکر، جزء ذاتی فرآیند رشد انسان است و در تشریح اهمیت این امر همین نکته بس که ما نه فقط حیواناتی متفکریم بلکه حق ماست که به پرورش استعدادهای خاص یک انسان بپردازیم. پرورش ذهن، خود قسمتی از تعلیم و تربیت است، زیرا این نیز قسمتی از همان انسان بودن است. طبق این نگرش، کار اصلی تعلیم و تربیت، آموزش تفکر انتقادی، خلاق و کارآمد به کودکان است (فیشر، ۱۳۸۵).

مربیان بزرگ تفکر را مبنا و اساس تعلیم و تربیت قرار می‌دهند و رشد قوه ی تفکر را هدف عمده ی مؤسسات تربیتی تلقی می‌کنند (شریعتمداری، ۱۳۸۲).

آغاز تفکر هنگامی است که انسان با سؤال، مسئله یا موقعیت نامعینی رو به رو می‌شود. تفکر زیربنا و اساس تربیت و محور اساسی و مشترک علم و فلسفه است (سلیمانپور، ۱۳۸۳).

تفکر دارای شیوه های گوناگونی است که یکی از آنها، «تفکر انتقادی» است. لپمن تفکر انتقادی را تفکری ماهرانه و مسئولیت پذیری می‌داند که قضاوت صحیح را تسهیل می‌سازد؛ چون بر ملاک‌ها تأکید دارد، خود تصحیح کننده است و به موضوع‌ها حساس است (لپمن، ۱۹۸۸). تعریف الدر و بال هم چنین است: «تفکر انتقادی، توانایی پذیرش مسولیت پیامدهای تفکر خویش است» (الدر، ۱۹۹۴) نوریس می‌گوید: «تفکر انتقادی به معنی تصمیم به قبول یا قطع یک باور است». (نوریس، ۱۹۸۹)

تفکر انتقادی به عنوان داوری و قضاوت متمرکز و همچنین با ملاحظه افکار و باورهای خود شناخته و مشخص می‌شود. که این برای تصمیم‌گیری در پاسخ به مشاهدات خود فرد و تجربیات و استدلال و اظهاراتش کمک کننده خواهد بود (ارنست، ۲۰۰۶)

تعلیم و تربیت در عصر حاضر کاری بسیار دشوار و پیچیده است. تعلیم و تربیت امری تنها وظیفه انتقال میراث فرهنگی گذشته را برعهده ندارد. بلکه رشد و تحول تفکر، فرهنگ و تحقق واقعیت انسان از اهم وظایف تعلیم و تربیت است و تحقق واقعیت انسان جز از طریق تعلیم و تربیت آگاهانه صورت نمی‌گیرد در واقع تعلیم و تربیت آگاهانه مجموعه ای از تدابیر است که از طریق برنامه های آموزشی، فرصت هایی را فراهم می‌آورد تا کودکان و نوجوانان بتوانند در جریان رشد استعدادهای ذاتی خود را از قوه به فعل در آورند. (شکوهی، ۱۳۶۷) یکی از تدابیری که از طریق برنامه های آموزشی می‌تواند به دانش آموزان انتقال پیدا کند بحث مهارتهای تفکر انتقادی است.

یکی از افرادی که در این زمینه تلاش ویژه‌ای داشته، پیترو فاسیونه مبدع یکی از پرکاربردترین آزمون‌های تفکر انتقادی یعنی آزمون کالیفرنیا (CCTST) است. فاسیونه، متفکر منتقد را واجد شش مهارت شناختی می‌داند و تحت عنوان مهارت‌های تفکر انتقادی هسته از آن یاد می‌کند. مهارت‌های تفکر انتقادی فاسیونه به شرح زیر است:

۱. **تفسیر:** درک و بیان مفهوم طیف گسترده‌ای از تجربیات، موقعیت‌ها، داده‌ها، حوادث، قضاوت‌ها، عرف‌ها، باورها و قواعد است، اما به طور کلی می‌توان گفت تفسیر فرآیند درک و بیان ضابطه‌هاست. تفسیر شامل سه مهارت فرعی است که عبارت‌اند از دسته بندی، رمزگشایی مفاهیم و شفاف سازی معانی.

۲. **تحلیل:** شناسایی روابط استنتاجی واقعی و هدف دار در میان توضیحات، سئوالات، مفاهیم، توضیحات یا شکل‌های دیگری است که از یک قاعده بیان می‌شود. این مهارت شامل دو مهارت فرعی آزمون اندیشه‌ها، تشخیص و تحلیل استدلال-هاست.

۳. **ارزشیابی:** تشخیص اعتبار مطالب بیان شده.

۴. **استنباط:** شناسایی و حفظ عناصری که برای ترسیم نتایج مستدل مورد نیاز هستند. به بیان دیگر، تشخیص اطلاعات مرتبط در یک مطلب و همچنین استخراج کردن نتایجی که در مطلب- به هر شکل ارائه شود - شناور هستند و به صورت واضح بیان نمی‌شود. مهارت‌های فرعی استنباط کردن عبارت‌اند از بررسی و جست و جوی شواهد، حدس زدن متغیرها و ترسیم نتایج.

۵. **توضیح:** قابلیت ارائه یک روش متقاعدکننده و منطقی است که نتیجه استدلال‌های فرد است. این توانایی فرد را قادر می‌سازد تا نگاهی کلی بر یک تصویر بزرگ داشته باشد. به عبارتی، فرد دلایل خود را در قالب شواهد و مفاهیم به صورت روش مند و معتبر بیان می‌کند. مهارت توضیح شامل سه مهارت فرعی بیان نتایج، اثبات روش‌ها و ارائه استدلال‌هاست.

۶. **خود تنظیمی:** مهمترین مهارت شناختی است. این مهارت به فرد امکان می‌دهد که فعالیت‌های شناختی خود را مورد بازبینی قرار دهد و با کمک آن بتواند تفکر خود را ارتقا دهد. خودتنظیمی شامل دو مهارت فرعی خودسنجی و خود اصلاحی

است. (فاسیونه، ۲۰۱۱) آموزش تفکر انتقادی تنها آموزشی است که گذر از ساده نگری و پذیرش بی چون و چرای مسائل را به ژرف نگری و انتخاب آزادانه آسان می‌کند و توانایی انسان را برای درک مسائل افزایش می‌دهد. (تفنگدار، ۱۳۸۶)

تحقق اهداف آموزش و پرورش از طریق برنامه‌های درسی و منابع کمک آموزشی صورت می‌گیرد و کتاب درسی یکی از مهمترین مراجع و منابع یادگیری دانش آموزان در نظام آموزشی به شمار می‌رود. در کشور ما فعالیت‌های آموزشی در چهارچوب کتاب درسی تحقق می‌یابد. در تمام کشور برای هر موضوع درسی در هر پایه تحصیلی یک کتاب درسی تالیف میشود و در بین مدارس توزیع می‌گردد، معلمان فعالیت‌های خود را بر محور کتاب درسی متمرکز می‌کنند، امتحان و ارزشیابی عمدتاً محدود به مطالب کتاب درسی است. از این رو این وسیله آموزشی در نظام آموزشی دارای نقش بسیار مهمی است و کتاب‌های درسی به خاطر اهمیت زیادی که در تحقق اهداف آموزشی دارند، کانون توجه تمامی دست‌اندرکاران آموزش و پرورش هستند (یارمحمدیان، ۱۳۸۷) بنابراین کتاب درسی باید بر اساس اهداف آموزش و پرورش و متناسب با شیوه‌های نوین به منظور ارتقای کیفیت رشد دانش آموزان در تمام ابعاد و زمینه‌های تدوین و تالیف گردد. در تهیه و تنظیم محتوای کتاب‌های درسی توجه به اصول و معیار انتخاب محتوا مانند تناسب با هدف‌ها، نیازها و علایق یادگیرنده پیشرفت‌های علمی، کاربرد آنها در زندگی واقعی، فراهم آوردن انواع فرصت‌های یادگیری و... ضروری است (نیک‌بخش، ۱۳۸۶) کتاب درسی یا محتوای مطالب آموزشی به ویژه در نظام‌های آموزشی متمرکز که محور مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب شده، فعالیت‌ها و تجربه‌های تربیتی دانش آموزان توسط معلم و حول محور آن سازماندهی می‌شود نیاز به تحلیل و بررسی علمی دارد. این تحلیل به دست‌اندرکاران و مولفان کتاب‌های درسی کمک می‌کند تا در هنگام تهیه و تدوین یا گزینش و انتخاب کتاب درسی تصمیمات عاقلانه‌ای را اتخاذ نمایند. نوعی از تحلیل‌ها که برای برنامه‌ریزان درسی مولفان و تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های درسی بسیار مفید و ضروری است، تحلیل محتوایی است. این نوع تحلیل‌ها کمک می‌کند تا مفاهیم، اصول، نگرش‌ها، باور‌ها و کلیه اجزای مطرح شده در قالب دروس کتاب مورد بررسی علمی قرار گرفته با اهداف برنامه درسی مقایسه و ارزشیابی شوند (یارمحمدیان، ۱۳۸۷) از جمله محتوای موجود در کتاب‌های درسی میزان پرداختن به مهارت‌های تفکر انتقادی است. از این رو می‌توان گفت، پرورش شیوه‌های متفاوت تفکر، به ویژه تفکر انتقادی، یکی از اهداف اساسی نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. مهارت‌های تفکر انتقادی نیز مانند سایر مهارت‌های فکری قابل پرورش هستند. یکی از مهم‌ترین راه‌های پرورش تفکر انتقادی، آموزش است و مدرسه کانون آموزش و کتاب‌های درسی مهم‌ترین وسیله‌ی آموزش تلقی می‌شوند که غالباً اهداف آموزش و پرورش از طریق آن‌ها قابل تحقق است. از این رو کتاب‌های درسی چنان‌چه به درستی تدوین شوند، می‌توانند نقش مؤثری در آموزش تفکر انتقادی ایفا کنند. (تفنگدار، ۱۳۸۶)

کتاب درسی یکی از مهمترین مراجع و منابع یادگیری دانش آموزان در هر نظام آموزشی است و در ایران نیز یکی از مهمترین نقش‌ها را در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش ایفا می‌نماید. به عبارت دیگر، در ایران بیشتر فعالیت‌های آموزشی در چارچوب کتاب درسی صورت می‌گیرد و بیشترین فعالیت‌ها و تجربه‌های آموزشی دانش آموز و معلم بر محور آن سازماندهی می‌شود (عریضی و عابدی، ۱۳۸۱) کتاب‌های درسی به خاطر اهمیت زیادی که در تعیین محتوا و خط مشی آموزش دارند، کانون توجه تمامی دست‌اندرکاران آموزش و پرورش هستند. اهمیت کتاب‌های درسی در نظام‌های آموزشی متمرکز، مانند ایران که تقریباً تمام عوامل آموزشی بر اساس محتوای آن تعیین و اجرا می‌شود، بیش از سایر انواع نظام‌های آموزشی است. و به خاطر همین اهمیت بیش از حد است که صرف وقت نیروهای متخصص در بررسی و تحلیل کتاب‌های درسی می‌تواند راهگشای حل بسیاری از مشکلات جاری آموزشی باشد. (ارمیراستر و اندرسون، ۱۹۹۳) کتاب‌های درسی نه تنها آموزش رسمی را انجام می‌دهند، بلکه تاثیر مهمی در برداشت کودک از جامعه دارند. (هینس و پالسون، ۲۰۰۶) زندگی در جامعه پیچیده امروزی نیازمند افرادی است که قادر هستند با تکیه بر تفکر و اندیشه خود بر مسائل پیرامون خویش فائق آیند و در چارچوب و چشم‌انداز روشنی، اطلاعات لازم را در مورد زندگی خویش جمع‌آوری و ترکیب کنند و با یک داوری خوب، آنها را ارزیابی نمایند و از کارهای ناممکن بپرهیزند. در حقیقت، افراد برای مواجهه با مسائل زندگی و اتخاذ تصمیم‌های اساسی نیازمند مهارت‌ها و صلاحیت‌های تفکر انتقادی هستند. (لیپمن، ۱۹۸۸)

به طور کلی در زمینه ضرورت و اهمیت تفکر انتقادی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- ۱- تفکر انتقادی یکی از ابعاد اساسی وجود انسان است و پرورش آن سبب رشد آدمی می‌شود.
- ۲- تفکر انتقادی منطبق با ویژگی‌های عقلانی انسان مانند کنجکاوی و ترقی طلبی است.
- ۳- کاربردی کردن یادگیری یا یادگیری براساس فعالیت خود یادگیرنده انجام می‌شود.
- ۴- برگرفته از اهداف اساسی تعلیم و تربیت است (هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰).

هر نظام آموزشی موفق، نیازمند به کارگیری دانش آموخته شده در موقعیت های واقعی زندگی برای حل مسائلی است که افراد آن جامعه با آن مواجه می شوند. اگر دانش آموختگان مطالب آموخته شده را یاد نگرفته باشند، قادر به حل مسائل پیرامون خویش نخواهند بود.

رشد و پرورش مهارت های فکری، به ویژه مهارت های تفکر انتقادی یادگیرندگان، همیشه در نظام های آموزشی موضوع پیچیده ای بوده، اما امروزه حالت بحرانی به خود گرفته است در این ارتباط متخصصان امر تربیت به شدت از ناتوانی یادگیرندگان در امر تفکر انتقادی ابراز نگرانی کرده اند. (حسینی راد و علمداری، ۱۳۹۰)

متأسفانه علی رغم تأکید و توجه به مسأله تفکر در اهداف نظام های آموزشی و ادعاهای مسئولان، متصدیان و مجریان آموزشی، در عمل برای تشویق دانش آموزان در جهت تفکر و به ویژه به کارگیری تفکر انتقادی اراده و انگیزه کافی وجود ندارد. معلمان نیز با وجود اظهاراتی که حاکی از پذیرفتن این فرض است که تفکر انتقادی راه را برای آموزش بیشتر و بهتر هموار می کند، همواره با شیوه های قالبی و حذف حقایق و ایجاد محیط خشک انضباطی، زمینه را برای حفظ کردن اطلاعات درسی فراهم می کنند. آنان این نکته را فراموش کرده اند که حفظ کردن مطالب و انباشتن ذهن دانش آموز از اطلاعات مرتبط و نامرتبط با زندگی واقعی سبب به هدر رفتن هزینه ها، امکانات و قابلیت های افراد می شود. برای آنکه نسلی پویا و تلاشگر داشته باشیم، باید شیوه های قضاوت درباره جامعه و تفکر در مورد زندگی خویش و دیگران را بیاموزند (شعبانی، ۱۳۸۶). علی پور (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تناسب محتوای کتاب های تعلیمات اجتماعی دوره ی راهنمایی تحصیلی با پرورش مهارت های تفکر انتقادی» که با روش تحلیل محتوا و با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی و درصد فراوانی) انجام شده، نشان می دهد که محتوای کتاب های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی، مهارت های تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی، قضاوت و جمع بندی را پرورش نمی دهد.

قاسمیان (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه تفکر انتقادی در برنامه های درسی دوره ی ابتدایی» که با روش تحلیل محتوا و با استفاده از سیاهه ی تحلیل محتوا انجام داده، نشان می دهد که از بین اهداف برنامه درسی مطرح در کتاب راهنمای معلم در حد انتظار به تفکر انتقادی توجه نشده است و محتوای کتاب های درسی کمترین توجه به مولفه های تفکر انتقادی داشته اند؛ همچنین به حیطة های عاطفی در عناصر محتوا و راهنمای معلم کمتر توجه شده است. به تفکر انتقادی در عناصر برنامه درسی به ترتیب زیر پرداخته شده است: راهنمای معلم (۳۹/۴۵)، اهداف (۳۳/۳۳) و محتوا (۳۱/۸). ندرلو (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب های جدید التالیف مطالعات اجتماعی پایه سوم و ششم ابتدایی» انجام داده است. محقق در این پژوهش از مقیاس مهارت های ماتیو لپپمن استفاده کرده که عبارتند از:

(مهارت سوال کردن، تحلیل و ارزیابی، استدلال، ارزیابی شواهد و اظهارات، تفسیر کردن، جمععی بودن، قضاوت صحیح در مورد مسایل، منطقی بودن و صراحت داشتن). نتایج حاصل از تحلیل محتوای دو کتاب نشان داد که هر دو کتاب بر مهارت سوال کردن بیشترین تاکید را داشته و به سایر مقوله ها هیچ یا کمتر توجه شده است به گونه ای که در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه سوم به مهارت های قضاوت صحیح، منطقی بودن اصلا تاکید نشده است. در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه ی ششم از میان مولفه های تفکر انتقادی کمترین توجه به مهارت های تفسیر داده ها، منطقی بودن و صراحت داشتن شده است. هاو (۲۰۱۱) پژوهشی تحت عنوان «توسعه مهارت های تفکر انتقادی در کلاس های درس دبیرستان» انجام داده است. هدف این پژوهش بررسی تاثیر آموزش راهبرد های تفکر انتقادی بر مهارت های تفکر دانش آموزان بوده است. نتایج تحقیق نشان داده است که عملکرد دانش آموزانی که تحت آموزش راهبرد های تفکر انتقادی بوده اند بهتر از دانش آموزانی است که آموزش ندیده اند. کتler (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان «بررسی مهارت های تفکر انتقادی در دانش آموزان دوره ابتدایی» انجام داده است. در این پژوهش دو گروه از دانش آموزان که یکی از آنها با برنامه آموزش و پرورش استعداد دیگری با برنامه آموزش عادی آموزش دیده بودند با یکدیگر مقایسه شدند. یافته ها نشان داده است که تفاوت معناداری بین این دو گروه در مهارت های تفکر انتقادی وجود دارد. کتler پیشنهاد می دهد که به منظور پرورش تفکر انتقادی باید به دنبال برنامه های درسی ویژه ای باشیم.

یکی از راه های دست یابی و پرورش مهارت های تفکر انتقادی در یادگیرندگان، تدوین برنامه های درسی مناسب در نظام های آموزشی است. به تعبیری، تفکر انتقادی را می توان فرآیند تبدیل چارچوب تحلیل ضمنی ذهن به یک چارچوب عینی برای تبدیل اطلاعات، تجارب و مهارت های کسب شده از طریق برنامه درسی و تجارب حاصله در موقعیت های آموزش و یادگیری معنا کرد (حسینی راد، علمداری، ۱۳۹۰). با توجه به طرح این مسائل یکی از اهداف و تغییرات اساسی و بنیادین مطرح شده در سند برنامه درسی ملی (مورد ۷ حوزه تربیت و یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی) و افق ترسیم شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که از سال ۱۳۹۱ به اجرا در آمده است رساندن سطوح تفکر دانش آموزان به بالاترین سطوح

تفکر انتقادی بوده است. لذا در حال حاضر که تعدادی از کتابهای درسی دوره ی اول و دوم ابتدایی به منظور تحقق اهداف مطرح شده در سند برنامه درسی ملی تغییر یافته اند ارزیابی محتوای این کتاب ها به منظور تشخیص میزان هماهنگی آنها با اهداف سند از ضرورتی برخوردار است که نیازمند اثبات نیست؛ حال در پژوهش حاضر باتوجه به بیان جایگاه مهارتهای تفکر انتقادی در زندگی اتی دانش آموزان و چگونگی تدوین محتوا و ارائه ان از سوی کتاب های درسی به دانش آموزان، به بررسی تغییرات کتابهای درسی مطالعات اجتماعی دوره ی عمومی ایران (پایه های سوم و چهارم) بر اساس میزان تاکید بر مهارتهای تفکر انتقادی از دیدگاه فاسیونه در سه دهه ی اخیر پرداخته ایم.

## روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش تحلیل محتوا از نوع کیفی و کمی است.

با توجه به هدف تحقیق، از روش تحلیل محتوا که به نوعی روش تحقیق توصیفی است در انجام این تحقیق بهره گرفته شد. تحلیل محتوا شیوه ای از پژوهش است که در این شیوه محقق بهتشریح و بیان «کمی»، «منظم» و «عینی» محتوای «اشکار پیام» می پردازد. (برلسون، ۱۹۸۵) روش تحلیل به کار رفته در این پژوهش هم کیفی و هم کمی است؛ کیفی بدان لحاظ که با خواندن تک تک جملات متن به دنبال شناسایی این مسئله پرداخته است که این جمله دانش آموز را به سمت کدامیک از مهارتهای تفکر انتقادی رهنمون می شود (واحد تحلیل جمله در نظر گرفته شد) و سپس بعد از مشخص کردن جملات از این حیث به شمارش تعداد جملات قرار گرفته در هر طبقه پرداخته است و سرانجام با کمک فراوانی و درصد وضعیت کتاب های مطالعات اجتماعی در ارتباط با میزان تاکید بر مهارتهای تفکر انتقادی را توصیف نموده است.

براین اساس تحلیل محتوای کتب مطالعات اجتماعی پایه های سوم (۳ کتاب) و چهارم (۶ کتاب) جمعاً مشتمل بر ۹ کتاب، در پایه سوم در سال های تحصیلی (۶۳-۶۴/۸۰-۸۱/۹۲-۹۳) و پایه چهارم در سال های تحصیلی (۶۳-۶۴/۶۵-۶۶/۷۳-۷۴/۸۲-۸۳/۹۱-۹۲/۹۳) در طی یک دوره سی ساله با استفاده از چک لیست تحلیل محتوا براساس ۶ مهارت تفکر انتقادی مطرح شده از دیدگاه فاسیونه که عبارت بودند از: ۱- تفسیر ۲- تحلیل ۳- ارزشیابی ۴- استنباط ۵- توضیح ۶- خود تنظیمی مورد بررسی قرار گرفت. روایی ابزار پژوهش با استفاده از نظرات صاحب نظران این حوزه به دست آمد. هم چنین برای محاسبه پایایی از فرمول علی دلاور (۱۳۸۳) استفاده گردید. به این منظور چک لیست تحلیل محتوا در دسترس یک کارشناس ارشد خبره برنامه ریزی درسی قرار گرفت تا به صورت هم زمان و موازی با پژوهشگر، کتب مذکور را مورد کد گذاری قرار دهد. نتیجه این فرایند ضریب توافق ۸۵ درصد را نشان داد.

پس از جمع اوری اطلاعات، اطلاعات در جداول جای گذاری شد و در انتها جمع بندی و نتیجه گیری صورت گرفت.

## یافته های پژوهش

کتاب های درسی مطالعات اجتماعی پایه سوم و چهارم به لحاظ میزان کاربرد مهارت های تفکر انتقادی مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا تعداد جملات هر کتاب به همراه میزان فراوانی که مربوط به هر یک از مهارت ها بود مشخص شد. سپس یکبار درصد فراوانی ها نسبت به کل مهارت ها سنجیده شد و بار دیگر درصد فراوانی کل نسبت به کل جملات کتاب های درسی مورد سنجش قرار گرفت.

جدول ۱- تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره عمومی ایران (پایه سوم) بر اساس مهارت تفسیر

جمع جملات تک تک کتاب		فراوانی (تفسیر)	تعداد کتب مورد بررسی ۳ عدد
۵۹۱		۱۰	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۳
۵۹۴		۱۵	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۸۰
۵۰۵		۲۵	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۲
۱۶۹۰	کل جملات کتابهای درسی	۵۰	فراوانی
٪۱۰۰			درصد فراوانی ها نسبت به کل مهارتها
۲/۹۵			درصد فراوانی کل نسبت به کل جملات کتاب های درسی پایه سوم

جدول ۲- تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره عمومی ایران (پایه سوم) بر اساس مهارت تحلیل

جمع جملات تک تک کتاب		فراوانی (تحلیل)	تعداد کتب مورد بررسی ۳ عدد
۵۹۱		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۳
۵۹۴		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۸۰
۵۰۵		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۲
۱۶۹۰	کل جملات کتابهای درسی	۰	فراوانی
٪۰			درصد فراوانی ها نسبت به کل مهارتها
٪۰			درصد فراوانی کل نسبت به کل جملات کتاب های درسی پایه سوم

جدول ۳- تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره عمومی ایران (پایه سوم) بر اساس مهارت ارزشیابی

جمع جملات تک تک کتاب		فراوانی (ارزشیابی)	تعداد کتب مورد بررسی ۳ عدد
۵۹۱		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۳
۵۹۴		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۸۰
۵۰۵		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۲
۱۶۹۰	کل جملات کتابهای درسی	۰	فراوانی
٪۰			درصد فراوانی ها نسبت به کل مهارتها
٪۰			درصد فراوانی کل نسبت به کل جملات کتاب های درسی پایه سوم

جدول ۴- تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره عمومی ایران (پایه سوم) بر اساس مهارت استنباط

جمع جملات تک تک کتاب		فراوانی (استنباط)	تعداد کتب مورد بررسی ۳ عدد
۵۹۱		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۳
۵۹۴		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۸۰
۵۰۵		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۲
۱۶۹۰	کل جملات کتابهای درسی	۰	فراوانی
٪۰			درصد فراوانی ها نسبت به کل مهارتها
٪۰			درصد فراوانی کل نسبت به کل جملات کتاب های درسی پایه سوم

جدول ۵- تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره عمومی ایران (پایه سوم) بر اساس مهارت خود تنظیمی

جمع جملات تک تک کتاب		فراوانی (توضیح)	تعداد کتب مورد بررسی ۳ عدد
۵۹۱		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۳
۵۹۴		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۸۰
۵۰۵		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۲
۱۶۹۰	کل جملات کتابهای درسی	۰	فراوانی
٪۰			درصد فراوانی ها نسبت به کل مهارتها
٪۰			درصد فراوانی کل نسبت به کل جملات کتاب های درسی پایه سوم

جدول ۶- تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره عمومی ایران (پایه سوم) بر اساس مهارت توضیح دادن

جمع جملات تک تک کتاب		فراوانی (خودتنظیمی)	تعداد کتب مورد بررسی ۳ عدد
۵۹۱		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۳
۵۹۴		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۸۰
۵۰۵		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۲
۱۶۹۰	کل جملات کتابهای درسی	۰	فراوانی
٪۰			درصد فراوانی ها نسبت به کل مهارتها
٪۰			درصد فراوانی کل نسبت به کل جملات کتاب های درسی پایه سوم

همانطور که داده های درج شده در جدول شماره ۱ حاصل از تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی پایه سوم براساس میزان تاکید بر مهارت تفسیر کردن نشان می دهد از کل جملات کتابها که به نوعی تاکید کننده بر مهارتهای تفکر انتقادی بودند (جمعاً ۵۰ جمله) ۱۰۰٪ مربوط به مهارت تفسیر کردن که این تعداد ۲/۹۵٪ از جملات کل کتاب های درسی مطالعات اجتماعی پایه سوم (جمعاً ۱۶۹۰ جمله) را شامل می گردد. همچنین داده های حاصل از جداول شماره های (۲، ۴، ۳، ۵، ۶) نشان دهنده ی این است که محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی پایه سوم به لحاظ میزان تاکید بر سایر مهارت هایی چون (تحلیل کردن، ارزشیابی کردن، استنباط کردن، توضیح دادن و خودتنظیمی) ۰٪ بوده است.



جدول ۷- تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره عمومی ایران (پایه چهارم) بر اساس مهارت تفسیر

جمع جملات تک تک کتاب		فراوانی (تفسیر)	تعداد کتب مورد بررسی ۶ عدد
۲۱۹		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۳
۲۲۷		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۵
۱۴۲		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۷۳
۱۱۹		۴	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۸۲
۱۱۵		۴	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۱
۷۲۸		۳۵	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۳
۱۵۵۰	کل جملات کتابهای درسی	۴۳	فراوانی
٪۱۸۹/۵۸			درصد فراوانی ها نسبت به کل مهارتها
٪۲/۷۷			درصد فراوانی کل نسبت به کل جملات کتاب های درسی پایه چهارم

جدول ۸- تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره عمومی ایران (پایه چهارم) بر اساس مهارت تحلیل

جمع جملات تک تک کتاب		فراوانی (تحلیل)	تعداد کتب مورد بررسی ۶ عدد
۲۱۹		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۳
۲۲۷		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۵
۱۴۲		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۷۳
۱۱۹		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۸۲
۱۱۵		۱	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۱
۷۲۸		۳	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۳
۱۵۵۰	کل جملات کتابهای درسی	۴	فراوانی
٪۱۸/۳۳			درصد فراوانی ها نسبت به کل مهارتها
٪۰/۲۵			درصد فراوانی کل نسبت به کل جملات کتاب های درسی پایه چهارم

جدول ۹- تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره عمومی ایران (پایه چهارم) بر اساس مهارت ارزشیابی

جمع جملات تک تک کتاب		فراوانی (ارزشیابی)	تعداد کتب مورد بررسی ۶ عدد
۲۱۹		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۳
۲۲۷		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۵
۱۴۲		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۷۳
۱۱۹		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۸۲
۱۱۵		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۱
۷۲۸		۱	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۳
۱۵۵۰	کل جملات کتابهای درسی	۱	فراوانی
٪۲۱۰۸			درصد فراوانی ها نسبت به کل مهارتها
٪۱۰۶			درصد فراوانی کل نسبت به کل جملات کتاب های درسی پایه چهارم

جدول ۱۰- تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره عمومی ایران (پایه چهارم) بر اساس مهارت استنباط

جمع جملات تک تک کتاب		فراوانی (استنباط)	تعداد کتب مورد بررسی ۶ عدد
۲۱۹		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۳
۲۲۷		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۵
۱۴۲		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۷۳
۱۱۹		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۸۲
۱۱۵		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۱
۷۲۸		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۳
۱۵۵۰	کل جملات کتابهای درسی	-	فراوانی
٪۰			درصد فراوانی ها نسبت به کل مهارتها
٪۰			درصد فراوانی کل نسبت به کل جملات کتاب های درسی پایه چهارم

جدول ۱۱- تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره عمومی ایران (پایه چهارم) بر اساس مهارت توضیح دادن

جمع جملات تک تک کتاب		فراوانی (توضیح)	تعداد کتب مورد بررسی ۶ عدد
۲۱۹		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۳
۲۲۷		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۵
۱۴۲		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۷۳
۱۱۹		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۸۲
۱۱۵		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۱
۷۲۸		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۳
۱۵۵۰	کل جملات کتابهای درسی	-	فراوانی
٪۰			درصد فراوانی ها نسبت به کل مهارتها
٪۰			درصد فراوانی کل نسبت به کل جملات کتاب های درسی پایه چهارم

جدول ۱۲- تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره عمومی ایران (پایه چهارم) بر اساس مهارت خودتنظیمی

جمع جملات تک تک کتاب		فراوانی (خودتنظیمی)	تعداد کتب مورد بررسی ۶ عدد
۲۱۹		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۳
۲۲۷		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۶۵
۱۴۲		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۷۳
۱۱۹		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۸۲
۱۱۵		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۱
۷۲۸		-	تعلیمات اجتماعی سال ۱۳۹۳
۱۵۵۰	کل جملات کتابهای درسی	-	فراوانی
٪۰			درصد فراوانی ها نسبت به کل مهارتها
٪۰			درصد فراوانی کل نسبت به کل جملات کتاب های درسی پایه چهارم

همانطور که داده های درج شده در جداول شماره های (۷، ۸، ۹) حاصل از تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی پایه چهارم براساس میزان تاکید بر مهارت های تفسیر کردن، تحلیل کردن و ارزشیابی کردن نشان می دهد از کل جملات کتاب های که به نوعی تاکید کننده مهارتهای تفکر انتقادی بودند (جمعاً ۴۸ جمله) ۸۹/۸۵٪ مربوط به مهارت تفسیر کردن که این تعداد ۲/۷۷٪ از جملات کل کتاب های درسی مطالعات اجتماعی پایه چهارم، ۸/۳۳٪ مربوط به مهارت تحلیل کردن که این تعداد ۰/۲۵٪ از کل جملات کتاب های درسی مطالعات اجتماعی پایه چهارم و ۲/۰۸٪ مربوط به مهارت ارزشیابی کردن که این تعداد ۰/۰۶٪ از کل جملات کتاب های درسی مطالعات اجتماعی پایه چهارم (جمعاً ۱۵۵۰ جمله) را شامل می گردد.

همچنین داده های حاصل از جداول (۱۰، ۱۱، ۱۲) نشان دهنده این است که محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی پایه چهارم به لحاظ میزان تاکید بر سایر مهارت ها ٪۰ بوده است.

### بحث و نتیجه گیری

کتب مطالعات اجتماعی پایه های سوم و چهارم دوره ی عمومی ایران به ترتیب در سال تحصیلی (۹۲-۹۳) و (۹۳-۹۴) اصلاح و بازویکردی نوین به کتاب درسی مطابق باسند ملی برنامه درسی ایران و سند تحویل بنیادین که از سال ۱۳۹۱ به اجرا در آمده است تالیف و تدوین شده است. در این کتاب ها یادگیری دانش آموزان از حالت منفعل و خشک به سبکی پویا و فعال تبدیل شده است. با این حال مباحث نظری محدودی در ارتباط با حیطه های مختلف تفکر انتقادی مطرح شده است. با بررسی سیر روند تغییرات کتاب های پایه های سوم و چهارم (در دهه ۹۰) چنانکه در بالا به ان اشاره رفت به لحاظ توجه به حیطه های مختلف تفکر انتقادی بسیار اندک و جزئی بوده است. شاهد این مدعا در پژوهش حاضر کتابمطالعات اجتماعی پایه سوم در سال تحصیلی (۹۲-۹۳) است که به لحاظ توجه به حیطه های مختلف تفکر انتقادی (به جز مهارت تفسیر کردن آن هم در حد بسیار محدودی با ۲۵ جمله از میان ۵۰۵ جمله این کتاب) در حد فوق العاده ضعیفی (توجه و تاکید بر سایر مهارت ها صفر در صد)

نگارش شده است. همچنین کتاب مطالعات اجتماعی پایه چهارم در سال تحصیلی (۹۳-۹۴) به لحاظ توجه به حیطه های مختلف تفکر انتقادی در حد بسیار اندک و جزئی (آنها هم در حد توجه به مهارتهای اولیه تفکر انتقادی) مانند مهارت تفسیر کردن با فراوانی ۳۵ جمله، مهارت تحلیل کردن با فراوانی ۳ جمله و مهارت ارزشیابی کردن با فراوانی ۱ جمله از میان ۷۲۸ جمله نگارش شده در این کتاب را به خود اختصاص داده است. در همین راستا توجه به سایر مهارت های سطوح بالای تفکر انتقادی (مانند استنباط کردن، توضیح دادن و خودتنظیمی) در این کتاب نیز ۰٪ بوده است. در این باره نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش قاسمیان (۱۳۸۷) با عنوان بررسی جایگاه تفکر انتقادی در برنامه های درسی دوره ه ی ابتدایی، هم چنین با نتایج پژوهش ندرلو (۱۳۹۳) با عنوان بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب های جدید التالیف مطالعات اجتماعی پایه سوم و ششم ابتدایی و هم چنین با نتایج پژوهش کتلی (۲۰۱۴) با عنوان بررسی مهارت های تفکر انتقادی در دانش آموزان دوره ابتدایی همسو و منطبق است. نتایج پژوهش حاضر به علاوه تمام نتایج تحقیقات بیان شده در بالا حاکی از عدم توجه برنامه ریزان و مولفان کتب درسی به بحث مهارتهای تفکر انتقادی ان هم در نظر گیری سطوح بالا میباشد.

حال به طور کلی با بررسی و مطالعه این کتب می توان این نتیجه را بیان داشت که درست است که نسبت به کتب مطالعات اجتماعی سوم و چهارم در دهه های (۶۰، ۷۰، ۸۰) در محتوای متنی کتب مطالعات اجتماعی پایه های سوم و چهارم به لحاظ میزان تاکید بر مهارتهای تفکر انتقادی تغییراتی اعمال شده است لذا این تغییرات خیلی چشمگیر نبوده، بلکه بسیار اندک و جزئی بوده است و در واقع می توان گفت که در این زمینه متاسفانه کتب بسیار ضعیف تدوین و تالیف شده است.

## ارائه پیشنهادها

- ۱- پیشنهاد می شود، در یک اقدام حساب شده، تدریجی و به دور از شتابزدگی با بازاندیشی در فرایند طراحی برنامه های درسی و اهداف دوره ی ابتدایی تحصیلی، براساس توجه به تحقق اهداف در هر سه حیطه یادگیری (شناختی، عاطفی و روانی- حرکتی) فرصت هایی برای حضور و آموزش مهارتهای تفکر انتقادی در کلاس درس فراهم گردد و آن چنان که نتیجه پژوهش حاضر و پژوهش های قبلی نشان داده اند حیطه مهارتهایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته اند، مورد تاکید قرار گیرند.
- ۲- کتب مطالعات اجتماعی که به تازگی در دهه ۹۰ تدوین شده است باز توسط برنامه ریزان و مولفان کتب درسی دوره ابتدایی بخصوص گروه علوم اجتماعی مورد بازنگری مجدد قرار گیرند.
- ۳- برگزاری دوره های آموزش ضمن خدمت ویژه کارشناسان و معلمان این دوره به صورتی منظم و مداوم، در جهت ارائه دانش و نگرشی مطلوب نسبت به حیطه های مختلف تفکر انتقادی و ایجاد انگیزه در آنان به منظور کاربرد این مهارت ها به طور عملی در کلاس درس.
- ۴- طراحی بسته ها و نرم افزارهای آموزشی، ویژه مهارت های تفکر انتقادی معلمان، کارشناسان و دانش آموزان، ارائه آن به معلمان و دانش آموزان به عنوان مکمل محتوای کتب درسی.

## منابع

- تفنگدار، ملیحه، (۱۳۸۶)، نقش روش های آموزش در پرورش تفکر انتقادی، تهران، دانشگاه تربیت معلم تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- حسینی راد، سیده زینب، علمداری، وحید، (۱۳۹۰)، برنامه درسی پرورش تفکر انتقادی، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۸، اردیبهشت ۱۳۹۰، دوره بیست و ششم.
- سلیمانپور، جواد، (۱۳۸۳)، مهارتهای تدریس نوین با تاکید بر کاربرد تفکر انتقادی و خلاقیت، تهران، انتشارات احسن.
- شریعتمداری، علی، (۱۳۸۲)، روان شناسی تربیتی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شعبانی، حسن، (۱۳۸۶)، روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارتها و راهبردهای تفکر)، تهران، انتشارات سمت.
- شکوهی، غلامحسین، (۱۳۶۷)، ماهیت مراحل رشد و فلسفه دوره های تربیتی، فصلنامه تعلم و تربیت، تابستان، ۱۳۶۸، شماره ۱۸.
- عریضی، حمدرضا، عابدی، احمد، (۱۳۸۱)، تحلیل محتوای کتاب های درسی دوره ابتدایی بر حسب سازده انگیزه پیشرفت، فصلنامه نوآوری آموزشی، سال دوم، شماره ۵، پاییز ۱۳۸۲.

- علی پور، وحیده، (۱۳۸۲)، بررسی محتوای درسی کتب دوره راهنمایی از نظر تفکر انتقادی، تهران، دانشگاه تربیت معلم، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- فیشر، رابرت، (۱۳۸۵)، آموزش تفکر به کودکان، ترجمه: مسعود مینایی مقدم، افسانه نجاریان، اهواز، انتشارات رشش.
- قاسمیان، جیران، (۱۳۸۸)، بررسی جایگاه تفکر انتقادی در برنامه های درسی دوره ی ابتدایی، شیراز، دانشگاه آزاد مرودشت، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- نیک بخش، اعظم، (۱۳۸۷)، تحلیل محتوای کتاب های درسی زبان انگلیسی سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی براساس طبقه بندی اصلاح شده بلوم در حیطه شناختی و مقایسه این کتاب از جهت توجه به این حیطه، تهران، دانشگاه تربیت معلم، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ندرلو، لیلیا، (۱۳۹۳)، بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب های جدید التالیف مطالعات اجتماعی پایه سوم و ششم، اراک، دانشگاه آزاد اراک، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- هاشمیان نژاد، فریده، (۱۳۸۰)، ارائه چهارچوب نظری در خصوص برنامه درسی مبتنی بر تفکر انتقادی در دوره ابتدایی با تاکید بر برنامه درسی مطالعات اجتماعی، تهران، دانشگاه آزاد علوم تحقیقات، رساله دکتری.
- یارمحمدیان، محمدحسین، (۱۳۸۷)، اصول برنامه ریزی درسی، تهران، انتشارات یادواره، چاپ ششم.

- Arambraster, b, b and t. h. Anderson (1993). A textbook of translation: hashemfardanesh, journal of educarion, no 33, spring.
- Berelson, b. (1985), content analysis in communications research. New york: free press.
- Facione, p.a. (2011). Critical thinking: what it is and why it counts, available at: www. Insightassessment.com.
- Elder, L., & Paul, R. (1994). Critical thinking: Why we must transform our thinking. Journal of Developmental Education, 18, 34-35
- Ernst, J., & Monroe, M. (2006). The effects of environment-based education on students' critical thinking skills and disposition toward critical thinking. Environmental Education Research, 12 (34), 429-443
- Lipman, M. (1988). Critical thinking: What can it be? Educational Leadership, 46 (1), 38-43.
- Hines, a. r. & Paulson, s.e. (2006). Parents and teacher perception's of adolescent storm n and stress: relation with parenting and teaching styles adolesce nce 41.
- Hove G. (2011). Developing critical thinking. Educational technology 10 (3).
- Kettler T.(2014).critical thinking skills among elementary school students: comparing identified gifted and general education student performance. National association for gifted children, 58 (2): 127-136.